

چکیده

روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و روسیه - به رغم وجود مشکلاتی چند و نیز به رغم فشارهای آمریکا - در سالهای اخیر گسترش چشمگیری یافته و علل و نتایج گسترش این روابط مورد توجه مستمر کارشناسان مسایل منطقه ای بوده است. مقاله حاضر، ضمن بررسی عوامل موثر بر سیاست خارجی ایران، گسترش روابط تهران و مسکو را در زمینه های اقتصادی و نظامی، به ویژه در مورد نیروگاه اتمی بوشهر، مورد توجه قرار می دهد و افزایش این همکاریها را ناشی از تغییر دیدگاههای سیاست گذاران دو کشور در یک دهه اخیر می داند. از این منظر، اگرچه مسایل مهم و دامنه داری چون اختلاف نظر ایران و روسیه بر سر رژیم حقوقی دریای خزر وجود دارد، به نظر می رسد که روابط دو کشور همچنان رو به گسترش باشد.

کلید واژه ها: سیاست خارجی ایران، سیاست خارجی روسیه، تنش زدایی،

همکاریهای نظامی، آسیای مرکزی و قفقاز

* دکتری علوم سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تاکستان

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، صص ۲۲-۱

تا اواخر دوران جنگ ایران و عراق، روابط تهران و مسکو چندان صمیمانه نبود، اما در اواخر دوران مذکور، مسکو اقدام به ارسال کمکهای نظامی به ایران نمود و سپس آقای هاشمی رفسنجانی، رییس وقت مجلس، به مسکو عزیمت کرد و به این ترتیب جهت تقویت روابط دو کشور گام برداشت. در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی روابط ایران و روسیه صمیمی تر شد، تا آنجا که مسکو اعلام کرد قصد دارد با ایران قرارداد جدیدی برای تأسیس چند راکتور اتمی، علاوه بر راکتور اتمی بوشهر، منعقد نماید. در کل، روابط ایران با روسیه از پایان دوران جنگ تحمیلی تا به امروز توسعه پیدا کرده است و به نظر می آید که دو کشور در صدد تا پیش از پیش در زمینه های مختلف با هم همکاری نمایند. روند رو به رشد روابط ایران و روسیه می تواند از جهاتی برای ایران سودمند باشد، چون دولت آقای خاتمی قصد دارد در عرصه سیاست بین الملل با کلیه کشورها براساس اصل احترام متقابل همکاری نماید و از این طریق برای تأمین منافع کشور گامهای ارزنده ای بردارد. سؤالی که در این رابطه مطرح می شود این است که، چرا ایران طی چند سال گذشته روابط نزدیک تری با روسیه برقرار کرده است و تا چه حد این امر می تواند برای ایران سود آور باشد؟ دلایل متعددی از سوی صاحب نظران در این خصوص مطرح شده است؛ بعضی از کارشناسان معتقدند که روابط تهران و مسکو به این دلیل توسعه یافته است که ایران همواره از جانب کشورهای مثل آمریکا و متحدانش تهدید می شود و از لحاظ امنیتی در موقعیت مناسبی به سر نمی برد، از این رو باید با مسکو روابط صمیمانه تری برقرار کند و از کمکهای مسکو به خصوص کمکهای نظامی این کشور بهره مند شود تا بتواند مانع از نفوذ آمریکا و متحدانش در منطقه شود و بدین طریق منافع ملی کشور را تأمین نماید. برخی دیگر از کارشناسان بر این مطلب تأکید نموده اند که به علت تغییراتی که در طرز فکر و ایدئولوژی مقامات دولتی ایران رخ داده است، ایران برای تنش زدایی و جذب همکاری کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای هم جوار، ارزش قابل توجهی قایل است و از این طریق می کوشد تا به موقعیت خود در عرصه روابط بین المللی بهبود ببخشد. از نظر نگارنده فرضیه دوم معقول تر و منطقی تر از فرضیه اول محسوب

می‌شود، اما این فرضیه باید تا اندازه‌ای تعدیل گردد. استدلال ما این است که دولت آقای خاتمی علاوه بر اینکه به مسئله تنش زدایی در روابط خارجی ایران عنایت دارد، با توجه به گرایشهای فرهنگی و سیاسی و همچنین موقعیت خاص ایران اقدام به ایجاد روابط نزدیک‌تر با مسکو نموده است و با طرح موضوع گفتگوی تمدن‌ها، برای جهانیان و مقامات مسکو این مطلب را روشن ساخته است که ایران طالب صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دیگر کشورهاست و در نتیجه دو کشور می‌توانند با یکدیگر همکاری نموده و از این طریق آینده روشن‌تری برای دو کشور رقم خواهد خورد. در ادامه سخن، ابتدا نظریه‌های مختلف در باب سیاست خارجی جمهوری اسلامی را به طور خلاصه بررسی و مشخص می‌نماییم که با اتکا بر کدامیک از این نظریه‌ها روابط ایران و مسکو را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و سپس شواهدی برای آزمون فرضیه خود ارائه خواهیم داد.

عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

به طور کلی، از سه زاویه می‌توان به بررسی علل و عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. طبق یکی از این دیدگاهها دولت جمهوری اسلامی همواره برای تأمین امنیت کشور در عرصه سیاست بین‌الملل اولویت قایل شده و کوشیده است تا با تقویت قوای نظامی خود در برابر کشورهایی که ممکن است قصد حمله به ایران را داشته باشند، ایستادگی نماید و در عرصه سیاست بین‌الملل با کشورهایی همکاری می‌کند که می‌توانند به رشد منافع ملی کشور کمک کنند. طبق دیدگاه دیگر، دولتمردان ایران همواره طبق نگرش خاصی که نسبت به مسایل بین‌المللی دارند، سیاستهای خود را در قبال دیگر کشورها تنظیم می‌نمایند و اساساً هر اندازه این نوع نگرش معقول‌تر و قابل قبول‌تر باشد مواضع دولت بهبود یافته و دولت به توسعه همکاری با کشورهای خارجی علاقه بیشتری نشان می‌دهد و می‌کوشد تا از این طریق به صلح و ثبات در منطقه دست‌یابد و موقعیت خود را در عرصه سیاست بین‌الملل بهبود ببخشد. طبق دیدگاه سوم، دولتمردان ایران برای تأمین منافع سرمایه تلاش می‌کنند و همواره طبق اولویتهای سرمایه، سیاست خارجی کشور را تنظیم

نموده و به مرحله اجرا می‌گذارند و می‌کوشند تا در صدد سود دهی سرمایه را افزایش دهند.^۱ به نظر می‌رسد که دیدگاه سوم در مقایسه با دیگر دیدگاهها از اعتبار کمتری برخوردار است. در واقع، رشد جامعه مدنی در بسیاری از کشورهای جهان، از جمله ایران، باعث می‌شود تا دولت‌ها نقطه نظرات و عقاید و آرای کلیه اقشار جامعه را جدی بگیرند و تنها برای تأمین منابع قشر سرمایه دار کوشش نکنند. در عین حال، دیدگاه دوم معقول‌تر و قابل قبول‌تر از نظریه اول جلوه می‌کند؛ چون اصولاً دولتمردان یک کشور با محاسبه اوضاع و شرایط حاکم در داخل و خارج از کشور، مواضع سیاسی خود را در قبال دیگر کشورها تنظیم می‌کنند و از این رو برای پی بردن به عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران باید به ایدئولوژی و نگرش سیاسی دولتمردان کشور توجه داشته باشیم. طبق دیدگاه اول، ایران به این دلیل با روسیه روابط نزدیک‌تری برقرار کرده است که روسیه می‌تواند به تأمین امنیت و منافع ملی ایران بیش از گذشته کمک کند، البته به نظر می‌آید که اصولاً دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس ملاحظات ایدئولوژیک، سیاست خود را در قبال روسیه تنظیم و به مرحله اجرا می‌گذارد و به طور قطعی دو کشور به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه همکاریها باعث ایجاد ثبات در منطقه می‌شود. بنابراین، دولتمردان ایران به این دلیل در جهت تقویت روابط تهران و مسکو اقدام نموده‌اند که به یک رشته عقاید سیاسی پایبند بوده و با اتکا به این مسئله سیاست خود را در قبال روسیه طراحی می‌کنند و در واقع گرایش ایدئولوژیک آنان در این زمینه مؤثر بوده است. در اینجا نمی‌توانیم به این مسئله تنها از لحاظ نظری توجه داشته باشیم و باید به خصوصیات ژئوپلیتیک و گرایش مذهبی و عقیدتی خاص دولت هم توجه داشته باشیم.^۲ بسیاری از پژوهشگران به این موضوع اشاره کرده‌اند که موقعیت خاص راهبردی و وضعیت فرهنگی و اقتصادی ایران باید همواره در بررسیهایی که در مورد سیاست خارجی ایران صورت می‌گیرد، در نظر گرفته شود و اهمیت آن حس شود. ۱۵ کشور هم‌جوار ایران از لحاظ راهبردی در رده ایران نیستند و در موقعیت مناسبی نسبت به ایران قرار ندارند. هر چند آقای رفسنجانی و آقای خاتمی سعی داشته‌اند با این کشورها روابط مناسب‌تری برقرار کنند، هنوز روابط ایران با تعدادی از آنها گرم و صمیمانه نیست. از این رو و با توجه به اینکه ایران در

پیمانهای نظامی عضویت ندارد، از لحاظ امنیتی دچار مشکلاتی شده و باید همواره تلاش کند تا از آمادگی لازم جهت رویارویی با تهدیدهای خارجی منطقه ای برخوردار باشد. به همین دلیل، کوشیده است تا در عرصه سیاست فرا منطقه ای و بین المللی جایگاه خود را تقویت کند و از این جهت همواره برای توسعه روابط خود با قدرتهای بزرگ مثل بعضی از کشورهای اروپایی اهمیت و ارزش زیادی قایل است. در همین جا ذکر این نکته هم لازم به نظر می آید که تلاش ایران برای دستیابی به موقعیت سیاسی مناسب تر در سطح جهان و موضع گیری در برابر کشورهای غربی چنین ایجاب می کند که ایران با روسیه روابط حسنه داشته باشد تا از این طریق بتواند از پشتیبانی مسکو برای رسیدن به اهداف خاص خود بهره مند گردد و از نفوذ آمریکا و متحدانش در منطقه جلوگیری به عمل آورد.

اما به غیر از اثر گذاری موقعیت راهبردی ایران بر اهداف و خط مشی های سیاست خارجی این کشور، از آنجایی که ایران دارای منابع عظیم نفت و گاز است، می تواند در عرصه اقتصادی هم بازیگر مهمی محسوب شود. علاوه بر این، ایران همواره کوشیده است تا از لحاظ فرهنگی استقلال خود را حفظ کند و چون ایرانیان به ارزشهای سنتی پایبند هستند، کوشیده اند تا استقلال فرهنگی کشور مخدوش نشود. از آنچه که گفته شد، می توان چنین نتیجه گیری کرد که دولت جمهوری اسلامی برای تنش زدایی در عرصه روابط بین الملل و حفظ ارزشهای ملی و مذهبی و موقعیت راهبردی و اقتصادی کشور اهمیت ویژه ای قایل است و در واقع هدف اصلی رسیدن به این مهم است و بنابراین ایران در ایجاد روابط دوستانه تر با مسکو می کوشد تا به این هدف نایل آید و دولت خاتمی به این علت برای گسترش همکاریها با مسکو گام برمی دارد که بتواند به ایجاد ثبات و تنش زدایی در روابط خارجی کشور کمک کند و در ضمن برای حفظ استقلال سیاسی کشور هم گام مهمی بردارد. بنابراین، در ادامه سخن با ارایه شواهدی فرضیه یاد شده را تبیین خواهیم نمود. تعریف کاربردی از فرضیه ارایه شده، این است که با توجه به تغییراتی در مواضع دولت جمهوری اسلامی و به خصوص با توجه به سیاست تنش زدایی در روابط خارجی ایران و همچنین با توجه به موقعیت راهبردی، اقتصادی و سیاسی خاص کشور، دولت از آمادگی بیشتری برای ایجاد روابط نزدیک تر با مسکو برخوردار

شده است. بدین سان، متغیر مستقل این مقاله نگرش جدید دولت خاتمی نسبت به مسئله سیاست ایران در قبال روسیه و متغیر وابسته آن، روند روبه رشد همکاریهای ایران با مسکو می باشد.

گسترش روابط تهران و مسکو

روابط تهران و مسکو در دوران ریاست آقای هاشمی رفسنجانی بر مجلس شورای اسلامی بهبود پیدا کرد. در چند سال اخیر به رغم مشکلاتی که دو کشور در ایجاد روابط نزدیک تر با یکدیگر داشته اند، روابط آنها تا حد قابل ملاحظه ای صورت حسنه ای به خود گرفته است. از مدتها قبل دولتمردان ایران نظر چندان خوشایندی نسبت به سیاست خارجی روسیه نداشتند. در پی قرارداد ۱۹۰۷ میلادی، قوای نظامی روسیه و انگلستان عملاً شمال و جنوب ایران را اشغال کردند. پس از وقوع انقلاب ۱۹۱۷ قوای روسیه از کشور خارج شدند، اما چندی بعد دوباره بازگشتند. در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۴۱ باز هم قوای نظامی شوروی به خاک ایران تجاوز کردند و این اقدامات باعث شد تا دولت و ملت ایران از سیاست شوروی در قبال ایران ابراز انزجار کنند، در واقع تا قبل از اینکه آمریکا از سال ۱۳۵۷ به این طرف به عنوان دشمن اصلی ایران شناسایی شود، شوروی به عنوان کشوری که پیوسته سعی در سوء استفاده از ایران را داشته، معروف شده بود.^۳

در دوران محمدرضا شاه روابط ایران با مسکو چندان گرم و دوستانه نبود، اما دولت در مواقع لازم از کمکهای مسکو استفاده می کرد؛ به عنوان نمونه، وقتی آمریکا از تأسیس کارخانه ذوب آهن در ایران اجتناب ورزید، ایران از شوروی دعوت کرد که در این خصوص اقدام کند. در همین حال دولت تا حدی از کمکهای نظامی شوروی برای تقویت نیروی نظامی کشور بهره می گرفت.^۴ وقتی انقلاب اسلامی رخ داد، مسکو واکنش منفی در قبال انقلاب از خود نشان داد و حتی به طور غیر مستقیم از براندازی رژیم پهلوی حمایت کرد؛ زیرا دولت شاه متحد آمریکا به شمار می رفت، اما وقتی دولت جمهوری اسلامی حرکت‌های کمونیستی در کشور را به حاشیه راند و اعلام داشت که رکن سیاست خارجی کشور عدم وابستگی به دو بلوک شرق و

غرب است، مقامات مسکو کم کم به انقلاب و دولت اسلامی با چشم دیگری نگاه کردند. در همین حال حمایت بی دریغ مسکو از عراق در جریان جنگ باعث می شد تا ایران با بدبینی هر چه تمام تر به سیاست شوروی نسبت به ایران بنگرد، بنابراین به نظر نمی آمد که ایران در جهت تقویت روابط دو کشور اقدامی انجام دهد.^۵

سفر آقای هاشمی رفسنجانی به مسکو باعث شد تا روابط دو کشور تا اندازه ای بهبود یابد. ایران همواره از بابت نفوذ آمریکا در منطقه ابراز نگرانی می کرد و ایجاد روابط مناسب تر با شوروی می توانست به عنوان اهرمی در دست دولت ایران برای تحقق اهدافش و رسیدن به موقعیت راهبردی و امنیتی مناسب تر باشد. آقای رفسنجانی در مسکو در مورد مسایل گوناگونی با رهبران کرملین مذاکره کرد و در نهایت توافقهایی بلند مدتی در زمینه همکاریهای اقتصادی و فنی و نیز ترتیبات کنسولی به دست آمد. در اعلامیه رسمی مشترک، ایران و شوروی اعلام کردند که دیدگاههایشان در مورد جنگ خلیج فارس کاملاً هماهنگ و سازگار است و خواستار خروج همه ناوگانهای بیگانه از منطقه شدند تا دولتهای منطقه خود مسئولیت ایجاد امنیت در منطقه را به عهده بگیرند. دو کشور در مورد مسئله افغانستان نیز مذاکره نموده و به این نتیجه رسیدند که باید در این کشور دولتی مستقل و غیر متعهد که روابط دوستانه با همسایگان داشته باشد، به قدرت برسد. در زمینه اقتصادی نیز دو کشور توافق کردند که برای کشف منابع گاز در دریای خزر با هم همکاری کنند. در ضمن شوروی در مورد ارسال تسلیحات نظامی به ایران اعلام آمادگی کرد و قرار شد به ایران کمک کند تا از انرژی اتمی برای اهداف غیر نظامی بهره برداری نماید. در اینجا لازم است اشاره شود، بعد از اینکه گورباچف زمام قدرت را در شوروی به دست گرفت، سیاست خارجی شوروی به تدریج متحول گردید؛ مسکو دیگر از دیدگاه ایدئولوژیک به روابط بین الملل نمی نگریست و طالب توسعه همکاریهای خود با کشورهای مختلف به خصوص کشورهای غربی بود. بعد از فروپاشی شوروی هم مسکو طبق یک رشته اولویتهای جدید، سیاست خارجی خود را تنظیم و به مرحله اجرا گذارد و کوشید تا از کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای غربی برای ایجاد اصلاحاتی در وضعیت اقتصادی کشور و رسیدن به درصد رشد اقتصادی بالاتر بهره بگیرد.

به رغم اینکه مسکو با کشورهای غربی روابط مناسب تری برقرار کرده است و قصد دارد روابط خود را با آمریکا توسعه دهد، می‌کوشد تا در جهت حفظ موقعیت سیاسی خود و برخورداری از امنیت بیشتر و در راستای سیاست حل مناقشات و اختلافات منطقه ای با ایران همکاری نزدیک تری داشته باشد. توسعه روابط مسکو و تهران برای طرفین مهم و ارزشمند است و دو کشور طبق اولویتهای جدیدی که در رابطه با سیاست خارجی خود اتخاذ نموده اند، روابط خود را گسترش می‌دهند.^۶ منتها مسکو تا مدتی نگران بود که کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز با ایران روابط صمیمانه ای برقرار کنند و بدین سان گسترش اسلام‌گرایی به منافع روسیه در این منطقه آسیب رساند. البته مقامات دولتی ایران نیز مایل بودند با این کشورها همکاری نمایند؛ چرا که از لحاظ فرهنگی همواره رابطه نزدیکی بین ایران و این کشورها وجود داشته است و ایران می‌توانست از این طریق موقعیت سیاسی خود را در منطقه بهبود ببخشد. ایران و روسیه به تدریج متوجه شدند که با ایجاد روابط حسنه با یکدیگر می‌توانند در زمینه های مختلف به منافع مورد نظر خود دست یابند و نگرش سیاسی آنها باهم رفته رفته هم خوانی بیشتری پیدا کرد. وقتی گروه طالبان در افغانستان به قدرت رسید، ایران و روسیه به طور مشترک از این موضوع ابراز نگرانی نموده و کوشش کردند تا به حکومت وقت افغانستان اجازه ندهند تا از لحاظ امنیتی و راهبردی برای آنها خطراتی ایجاد کند.^۷ مقامات دولت آمریکا فشار زیادی بر دولت روسیه وارد کرده اند تا از همکاری با ایران اجتناب ورزد. در فوریه ۲۰۰۰ آمریکا از روسیه خواست که قرارداد ساخت راکتور اتمی در بوشهر را لغو کند تا در مقابل، واشنگتن ۱۰۰ میلیون دلار به روسیه کمک کند. دولت کلینتون پیوسته از بابت گسترش همکاریهای تهران با مسکو ابراز ناخشنودی می‌نمود و حتی اعلام داشت که اگر روسیه از صدور اسلحه به ایران خودداری نکند، آن کشور را تحریم خواهد کرد. قبل از سفر آقای خاتمی به روسیه مقامات عالی رتبه دولت روسیه به ایران سفر کردند؛ مثلاً در اکتبر ۲۰۰۰ سرگئی ایوانوف، دبیر شورای امنیت فدراسیون روسیه، به ایران آمد و ضمن گفتگو با مقامات ایرانی در مورد مسایل مختلف از طرف رییس جمهوری روسیه از آقای خاتمی دعوت کرد تا از روسیه دیدن کند.^۸

آقای خاتمی اولین رییس جمهور ایران بود که از روسیه دیدن می کرد و طبق اظهارات پوتین با سفر آقای خاتمی به مسکو فصل تازه ای از روابط دو جانبه رقم خورد. در این سفر، پوتین نسخه ای از ترجمه روسی کتاب آقای خاتمی در مورد گفتگوی تمدنها را به وی هدیه کرد. آقای خاتمی همچنین با دیگر مقامات عالی رتبه چون نخست وزیر دیدار و گفتگو کرد و در مجلس دوما اظهار داشت که «ایران و روسیه می توانند در ایجاد صلح و رونق اقتصادی در منطقه باهم همکاری کنند و طبق منافع مشترکی که دارند، همکاریهای میان خود را گسترش دهند. جمهوری اسلامی نمی خواهد با توسل به زور و خشونت به اهداف سیاست خارجی خود جامه عمل بپوشاند.» آقای خاتمی بعد از انجام مذاکراتی با پوتین نیز اظهار داشته بود که «توسعه همکاریهای تهران و مسکو به ایجاد صلح در منطقه کمک می کند و اگر ثبات و امنیت برای دو کشور وجود نداشته باشد، دو کشور نخواهند توانست به مراتب بالاتری از توسعه نایل آیند.» در مقابل، پوتین هم اعلام کرد که دولت وی کاملاً آماده است تا با تهران روابط گسترده تری برقرار کند و روسیه برای اصلاحاتی که در ایران انجام می شود ارزش قایل است، در ضمن روسیه برای اتمام ساخت پروژه راکتور اتمی بوشهر اقدام خواهد کرد و هر دو کشور با قاچاق مواد مخدر و تروریسم مبارزه خواهند کرد. مقامات دو کشور همچنین در مورد وضعیت حقوقی دریای خزر گفتگو و مذاکره کردند و قرار شد در آینده برای حل این مسئله راه حل مناسبی پیدا کنند. دو کشور اعلام آمادگی کردند تا در زمینه اقتصادی نیز برای اجرای پروژه های اقتصادی باهم همکاری کنند و در آخر هم سران دو کشور پیمان روابط دو جانبه روسیه و ایران را امضا کردند.^۸ این پیمان به خصوص از لحاظ راهبردی و امنیتی حایز اهمیت است و می تواند باعث شود تا دو کشور از لحاظ امنیتی مواضع مشترکی اتخاذ نمایند و در نتیجه بتوانند در صلح و ثبات به سر ببرند. طبق مفاد این پیمان ایران و یا روسیه نباید علیه یکدیگر از زور استفاده کنند و یا اجازه دهند که از خاکشان برای انجام عملیات خشونت آمیز علیه دیگری استفاده شود، اگر خاک یکی از دو کشور مورد تجاوز قرار گرفت، ایران و یا روسیه موظف هستند براساس قوانین بین المللی برای پایان بخشیدن به این وضعیت اقدام کنند.^۹

بعد از سفر آقای خاتمی به روسیه، روابط دو کشور دستخوش فراز و نشیبهایی شد.

حتی کارشناسانی که روابط ایران و مسکو را مورد مطالعه قرار می دهند، به این نکته اشاره نمودند که اگرچه روسیه می کوشد تا هم با تهران و هم با واشنگتن روابط دوستانه تری داشته باشد، در عین حال به دلایلی طرف آمریکا را گرفته است و برای حمایت از تهران آمادگی کامل ندارد. وزیر امور خارجه ایران قرار بود در فوریه سال ۲۰۰۲ به مسکو سفر کند، اما وی سفر خود را به تعویق انداخت؛ چون مقامات روسی از درخواست وی برای گفتگو با همتای خود سرباز زدند. به طور کلی در این برهه زمانی مقامات روسی نگران این مسئله بودند که آیا روسیه می تواند با حمایت غرب و به خصوص آمریکا به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید و همچنین قصد داشتند با مقامات آمریکایی بر سر مسئله منع گسترش سلاحهای اتمی به توافق برسند، ضمن آنکه می خواستند بر سر موضوع گسترش سازمان ناتو به شرق با آمریکا گفتگو و مذاکره کنند و از بابت این موضوع اطمینان خاطر یابند که گسترش ناتو به اهداف راهبردی و امنیتی روسیه صدمه وارد نمی کند. اساساً بعد از حادثه یازده سپتامبر روسیه فرصت را مغتنم دید که به واشنگتن نزدیک شود و خود را بیش از پیش حامی برنامه ها و سیاستهای دولتهای غربی نشان دهد. به همین دلیل نیز بود که اعلام کرد، به طور جدی از اقدامات آمریکا علیه تروریسم در جهان حمایت خواهد کرد.^{۱۰}

همکاریهای اقتصادی ایران و روسیه

در سپتامبر ۲۰۰۰ میزگردی با همکاری سفارت ایران در مسکو و چند مؤسسه پژوهشی و دولتی روسیه در شهر مسکو برگزار شد تا در آن، همکاریهای دو کشور ایران و روسیه در آسیای مرکزی مورد بررسی قرار بگیرد. شرکت کنندگان در این میزگرد به بررسی موضوعات مختلفی پرداختند؛ به عنوان نمونه، به بررسی این مسئله توجه کردند که چگونه باید برای حمل و نقل کالا از روسیه به ایران و برعکس زیربنای اقتصادی منطقه آسیای مرکزی تقویت گردد. میزان تجارت سالانه بین دو کشور پیش از فروپاشی شوروی چشمگیر نبود، اما از اوایل دهه ۱۹۹۰ به این سو میزان تجارت کالا بین ایران و روسیه افزایش پیدا کرده و سه برابر شده است. براساس آمار، میزان تجارت بین ایران و روسیه در سال ۲۰۰۰ به ۹۰۰ میلیون

دلار رسید که ۳۰۰ میلیون دلار بیش از سال قبل از آن بود و روسیه از این میزان تجارت به مراتب بیشتر از ایران سود می برد.^{۱۱} ایران به روسیه میوه، پسته، سبزی، تنباکو و مواد معدنی صادر می کند و از آن کشور محصولات فولادی، لوله و تجهیزات مربوط به راکتور اتمی، تجهیزات دریانوردی و بالاخره محصولات غذایی و کاغذ وارد می کند. در سال ۱۹۹۹ شرکت گازپروم روسیه حدود ۱۱ میلیون دلار در میدانهای نفتی پارس جنوبی ایران سرمایه گذاری کرد. امروزه روسیه تمایل زیادی نشان می دهد تا در زمینه بهره برداری از منابع نفت و گاز ایران بیش از گذشته با تهران همکاری کند. همکاریهای اقتصادی ایران و روسیه شامل موارد دیگری نیز می شود؛ به طور مثال، روسیه برای تأسیس چند نیروگاه برقی با ایران قرارداد بسته است و دو کشور در زمینه علمی و فنی و صنعت هوا- فضا هم با یکدیگر همکاری می کنند. کمبودهایی در زمینه زیرساختهای اقتصادی ایران وجود دارد که مانع از گسترش همکاریهای بازرگانی می شود؛ به عنوان نمونه، تنها خط راه آهن قابل استفاده خط سرخس- تجن است و حمل و نقل کالا بین دو کشور از این طریق به سختی صورت می گیرد و همواره با مشکلاتی مواجه بوده است. دو کشور می کوشند تا شاهراه جدیدی از شمال به جنوب تأسیس کنند که از طریق آن بتوان کالاها را از جنوب شرقی آسیا و از طریق روسیه و ایران به اروپا ارسال نمود. در حال حاضر، کالاهای ساخت روسیه اغلب از طریق راه آهن به دریای خزر منتقل می شود و از آنجا به ایران وارد می شود. روسیه علاقه مند است که حمل کالا از شرق به غرب به وسیله خط راه آهن سیبری صورت بگیرد، اما ایران هنوز در این مورد با روسیه توافق نکرده است. دو کشور به مسئله توسعه همکاریهای راهبردی و امنیتی به خصوص در آسیای مرکزی و قفقاز توجه داشته و در این زمینه مواضع مشترکی اتخاذ نموده اند. هر دو کشور از بابت گسترش ناتو و نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی ابراز نگرانی و ناخرسندی نموده اند. آمریکا برای بهره برداری از نفت و گاز منطقه خزر فعالیت زیادی به خرج می دهد و می کوشد تا ایران نتواند در آسیای مرکزی حضور فعالی داشته باشد، به همین جهت در صدد است تا از طریق خط لوله باکو- جیهان، نفت منطقه را به اروپا انتقال دهد. ایران هم برای جلب اعتماد رهبران روسیه از مداخله سیاسی در کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی اجتناب می ورزد. در نهایت،

باید ذکر کرد که ایران در سالهای اخیر مقدار قابل توجهی سلاح از مسکو خریداری کرده است. بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۵ ایران معادل ۵ میلیارد دلار از روسیه تسلیحات نظامی وارد کرد و قرار است تا چند سال آینده نیز معادل ۷ میلیارد دلار دیگر تسلیحات نظامی خریداری کند.^{۱۲}

ساخت راکتور های اتمی در ایران

شرکت اتموس تروی اکسپرت روسیه از سال ۱۹۹۸ مسئولیت ساخت راکتور اتمی بوشهر را به عهده گرفته است و قرار بود که تا سال ۲۰۰۳ این پروژه تکمیل شود. در حال حاضر ۳۹۰۰ متخصص روسی و ایرانی برای ساخت اولین واحد نیروگاه اتمی بوشهر مشغول به کار هستند. قطعه اصلی راکتور اتمی مذکور که شامل راکتور نیروگاه هم می شود، به ایران ارسال شده است.^{۱۳} از سال ۱۹۹۶ تا به امروز مقامات ایرانی و روسی درباره تأسیس نیروگاههای اتمی دیگری علاوه بر نیروگاه بوشهر باهم مذاکره کرده اند تا اینکه در جولای ۲۰۰۳ نخست وزیر روسیه اعلام کرد که «روسیه قصد دارد پنج راکتور اتمی دیگر در ایران بسازد». طبق پیش بینیهای انجام شده، سه راکتور در کنار راکتور بوشهر ساخته می شود و نیروگاه اتمی دیگری در شهر اهواز راه اندازی خواهد شد و شامل دو راکتور اتمی می شود. این پروژه ها برای روسیه سودآور است و از آنجا که روسیه نیمایز مبرمی به پول نقد دارد، می تواند با ساخت این تعداد راکتور در کوتاه مدت به حل مشکلات مالی خود کمک کند. البته روسیه انگیزه های دیگری نیز دارد؛ متخصصان روابط خارجی روسیه همواره به این مسئله اشاره کرده اند که دولت روسیه میل دارد به تقویت وجهه خویش در جهان بپردازد و خود را کشوری قدرتمند جلوه دهد. امروزه روسیه می خواهد با ارسال کمکهای غیر نظامی و نظامی به کشورها اقتدار و توانمندیهای خود را به جهانیان نشان دهد و ثابت کند که به رغم مشکلاتی که در عرصه داخلی گریبان گیرش شده است، می تواند یک پله پایین تر از آمریکا در عرصه سیاست بین الملل فعالیت نموده و با کشورهای مختلف رابطه داشته باشد. آمریکا هنوز به مسکو فشار وارد می کند تا از همکاریهای خود با تهران در زمینه یاد شده بکاهد. ایران

می گوید که به هیچ وجه قصد ندارد از راکتور بوشهر برای ساخت سلاح هسته ای بهره برداری نماید، اما آمریکا مدعی است که قراردادی به طور رسمی بین مقامات روسی و ایرانی منعقد نشده است که به موجب آن سوخت اتمی راکتور بوشهر به روسیه منتقل شود.^{۱۴} پوتین به بوش اطمینان خاطر داده است که از ایران می خواهد تا به بازرسان خارجی اجازه دهد از نیروگاه اتمی بوشهر دیدن نمایند و تحقیقات لازم را در این مورد انجام دهند و ایران هم به نوبه خود اعلام داشته است که با مقامات آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری خواهد کرد و این مقامات می توانند از نیروگاه بوشهر بازدید کنند، ضمن آنکه ایران مدتها قبل پیمان منع تکثیر تسلیحات نظامی هسته ای را امضا کرده است. در واقع، چنین به نظر می آید که ایران نه تمایل دارد که از طریق ساخت راکتور اتمی بوشهر به تسلیحات اتمی دست یابد و نه قابلیت و توانایی فنی - اقتصادی لازم را برای استفاده نظامی از این راکتور دارد؛ چون هنوز صنایع کشور به آن اندازه پیشرفت نکرده اند که بتوانند از یک راکتور اتمی هر طور که مایلند بهره برداری کنند، از این رو ادعای آمریکایی اساس جلوه می کند. تا ابتدای سال ۲۰۰۴، آمریکا و تعدادی از متحدانش اقدامات گسترده ای را برای جلوگیری از دستیابی ایران به فناوری هسته ای انجام دادند. ایران، در مقابل، از طریق همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی و امضای پروتکل الحاقی رسماً اعلام کرد که در آینده هم قصد دستیابی به سلاح اتمی را ندارد. از این رو می توان گفت که همکاری روسیه - ایران در زمینه ساخت راکتور اتمی بوشهر برای دستیابی به تسلیحات هسته ای توسط ایران نیست. متخصصان روسی در حال حاضر بر چگونگی ساخت نیروگاه رامین اهواز و نیروگاه شهید منتظری اصفهان نظارت می کنند؛ ضمن آنکه روسیه و ایران مشغول ساخت هواپیماهای مسافربری توپولف - ۳۳۴ در کشور هستند.^{۱۵}

همکاریهای نظامی ایران و روسیه

موضوع صدور تسلیحات نظامی از جانب روسیه به ایران یکی از موضوعات اساسی و مهم در قالب مناسبات دو کشور محسوب می شود. از دهه ۱۹۹۰ به این سو، میزان صادرات تسلیحات روسی به ایران به صورت قابل توجهی افزایش یافته است. بین سالهای ۱۹۹۱ و

۱۹۹۷، ایران ۳٫۴ میلیارد دلار تسلیحات از روسیه خریداری کرد؛ از جمله، دو زیر دریایی نوع «کیلوه»، ۴۸ فروند هواپیمای میگ - ۲۹ و ۲۰۰ فروند موشک زمین به هوا. ایران همچنان به خرید تسلیحات از روسیه علاقه نشان داده است و روسیه هم به نوبه خود اعلام داشته است که آماده است تا به درخواست ایران برای خرید اسلحه پاسخ دهد.^{۱۶} جدول شماره ۱ نشان می دهد که ایران چه نوع سلاحهایی از روسیه و سایر کشورها خریداری کرده است.

استفاده رو به افزون ایران از تسلیحات روسی برای ایران هم منفعت آور و هم مضر بوده است؛ زیرا نیروهای نظامی ایران قبلاً از تسلیحات آمریکایی استفاده می کردند و آشنایی با طرز کار سلاحهای روسی چندان هم سهل و آسان نبوده است. از سوی دیگر، نزدیک شدن روسیه به آمریکا موجب شده است تا مقامات روسی در برخی موارد از توسعه همکاریهای نظامی با ایران شانه خالی کنند. با این حال، می توان انتظار داشت که دو طرف همکاریهای خود را در زمینه های راهبردی و نظامی توسعه دهند^{۱۷} و احتمالاً ایران به عنوان سومین کشور خریدار تسلیحات نظامی روسیه شناخته خواهد شد. طی دیدار وزیر دفاع ایران از روسیه قرار شد تا روسیه در نواحی مرزی ایران و افغانستان سیستم مراقبتی تأسیس کند تا از طریق آن، ایران بتواند از حمل و نقل قاچاق در آن نواحی جلوگیری کند.^{۱۸} طی چند سال اخیر ایران در زمینه ساخت موشکهای دور برد هم به موفقیتهایی نایل شده است. گفته می شود که ایران برای ساخت موشک شهاب - ۳ از فناوری کره شمالی و یا حتی روسی استفاده کرده است. موضوع ساخت این موشک توسط ایران در رسانه های خارجی جنجال برانگیز بوده است و طبق اظهارات مقامات واشنگتن، ایران می تواند با این موشک اسرائیل را هدف بگیرد. واشنگتن از بابت همکاری روسیه با ایران در ساخت این موشک ابراز نگرانی نموده است.^{۱۹}

ایران و کشورهای آسیای مرکزی

ایران و روسیه در مورد نقش یکدیگر در آسیای مرکزی از جهاتی هم عقیده هستند و از جهاتی هم نقطه نظرات و مواضع آنها با یکدیگر تفاوت دارد. از یک طرف، ایران و روسیه در مورد افزایش فعالیتهای شرکتهای آمریکایی در منطقه و روابط نظامی بین کشورهای مذکور به

واشنگتن ابراز نگرانی و ناخرسندی می کنند و می کوشند تا از مداخله کشورهای خارجی و به خصوص آمریکا در این منطقه بکاهند. از طرف دیگر، ایران نمی خواهد که روسیه در این منطقه به هر آنچه که می خواهد برسد؛ چرا که این امر ممکن است با امنیت و منافع ملی ایران خدشه وارد کند. در فوریه ۲۰۰۰، آقای خزاری در دیدار با مقامات روسی به این مطلب اشاره کرد که بعضی از کشورهای هم جوار دریای خزر می خواهند با کشورهای غربی رابطه نزدیکی داشته باشند. وی به طور ضمنی از بابت این موضوع ابراز نگرانی کرد که روسیه در این منطقه قصد دارد بر اوضاع مسلط شود و به کشورهای منطقه اجازه ندهد هر طور که می خواهند، روابط خارجی خود را تنظیم نمایند؛ ایران از این بابت ناخرسند بوده و می خواهد ایران و کشورهای یاد شده با توجه به اصول مورد نظرشان سیاست خارجی خود را تنظیم و به مرحله اجرا بگذارند.^{۲۰} در کل می توان انتظار داشت که در آینده ایران با روسیه در این منطقه کمتر درگیری پیدا کند. یکی از دلایلی که باعث شده است تا روسیه در جهت تقویت روابط خود با ایران گام بردارد، عدم تمایل دولت ایران به مداخله در امور داخلی کشورهای آسیای مرکزی بوده است. هر چند ایران به طور مقطعی از جناح اسلامی مخالف دولت تاجیکستان در سالهای ۹۲-۱۹۹۱ حمایت کرد، در سالهای اخیر با دولت تاجیکستان برای ایجاد صلح و ثبات سیاسی همکاری نموده است و به همین منوال وقتی قوای نظامی روسیه دوبار اقدام به سرکوب شورشیان چچن کرد، با این اقدام روسیه به صورت بارزی مخالفت نکرد.^{۲۱} یکی از کارشناسان درباره سیاست صلح جویانه ایران در قبال کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی چنین می گوید: «ایران برای توسعه همکاریها با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی تلاش می کند و در کل درصدد است تا با همکاری این تعداد از کشورها به ایجاد ثبات در منطقه کمک کند و از هر وسیله ای استفاده می کند تا بتواند نقش مؤثری در کاهش درگیریها در منطقه داشته باشد.»^{۲۲}

مذاکرات ایران و روسیه درباره تقسیم دریای خزر

از موقعی که آقای خاتمی از مسکو دیدن کرد تا به امروز، سیاستمداران ایران و روسیه

برای حل مسئله تقسیم دریای خزر تلاش می کنند، اما هنوز نتوانسته اند به توافق برسند. روسیه، ایران، قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان پنج کشور هم جوار دریای خزر هستند و هر کدام برای رسیدن به موقعیت اقتصادی بهتر جهت بهره برداری منابع نفت و گاز تلاش می کنند. به رغم اینکه ایران و روسیه مایل نیستند با یکدیگر بر سر حل این مسئله در بیفتند، همچنان نتوانسته اند در مورد رژیم حقوقی به طور رسمی توافق کنند. زمانی که آقای خاتمی از روسیه دیدن کرد، قرار بود طی یک نشست رسمی رژیم حقوقی دریای خزر تعیین گردد، اما با اصرار مقامات ایرانی این نشست تا اطلاع بعدی به تعویق افتاد. بعد از اینکه عاقبت این نشست صورت گرفت، طرفین به هیچ وجه در مورد تقسیم مرزهای آبی کشورهای هم جوار دریای خزر به توافق نرسیدند. مداخله آمریکا در منطقه باعث شده است تا مسئله مذکور از جهات مختلف بغرنج و حل نشدنی جلوه کند. آمریکا برای کشف و استخراج نفت و گاز و ایجاد امنیت مورد نظر خود در دریای خزر فعالیت زیادی انجام داده است و مصرانه تلاش می کند تا نفت و گاز دریای خزر به ترکیه منتقل شود. آمریکا با اعمال فشار بر مقامات گرجستان، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان سعی کرده است تا به این مهم دست یابد و در این رهگذر کوشیده است تا هم از نفوذ روسیه در منطقه بکاهد و هم ایران را منزوی سازد.^{۲۳}

البته امروزه مشخص شده است که دریای خزر دارای منابع عظیم نفت و گاز نیست و به رغم اینکه پیشتر گفته می شد دارای ذخایر نفتی معادل ۲۰۰ میلیون بشکه نفت است، اما اکنون مشخص شده است که ذخایر نفت آن فقط ۱۸ تا ۳۴ میلیون بشکه است. در مقایسه با عربستان سعودی که ذخایر آن معادل ۲۶۰ میلیارد بشکه است، دریای خزر از منابع نفت و گاز قابل توجهی برخوردار نیست. در هر صورت کشورهای منطقه میل دارند از منابع موجود در دریای خزر بهره برداری نمایند. کمبودهای مربوط به زیر ساختهای اقتصادی منطقه و نبود خطوط لوله جهت انتقال نفت و گاز باعث می شود تا کشورهای مذکور نتوانند به طرز مطلوبی فعالیت نمایند. خط لوله باکو-جیهان از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست و فقط اصرار و اشتگتن بر استفاده از این خط لوله باعث شده است تا ترکیه، گرجستان و آذربایجان و هشت شرکت ناظر برای اتمام این پروژه اهتمام ورزند. سه راه دیگر برای نقل و انتقال منابع نفت و

گاز دریای خزر وجود دارد؛ یکی، خط لوله جدیدی است که از روسیه می‌گذرد، دیگری خط لوله‌ای است که از مسیر گرجستان می‌گذرد، و سومی خط لوله‌ای است که از ایران می‌گذرد. خط لوله‌ای که از ایران می‌گذرد از لحاظ اقتصادی کمتر هزینه‌بر است، اما هنوز معلوم نیست که آیا این خط لوله احداث خواهد شد یا خیر. شرکت نفت ملی چین، شرکت توتال فرانسه و حتی چند شرکت بزرگ آمریکایی در مورد انتقال منابع نفت و گاز از دریای خزر به خلیج فارس مطالعاتی انجام داده‌اند، اما آمریکا با احداث آن مخالفت می‌ورزد. باید به یاد داشت که نبود رژیم حقوقی مناسب در ارتباط با مرزهای آبی کشورها باعث شده است تا از لحاظ راهبردی، نظامی و سیاسی کشورهای منطقه با یکدیگر برخورد نمایند و هر کشور، بدون توجه به دیگران، برای تأمین اهداف مورد نظر خاص خود گام بردارد. بعد از فروپاشی شوروی سابق هیچ رژیم خاصی برای تعیین مرزهای آبی و وضعیت کشتیرانی در آبهای دریای خزر پدید نیامده است و فقط ایران و روسیه براساس پیمانهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ می‌توانند روابط خود را در این خصوص تنظیم نمایند. در چند سال اخیر کشورهای این ناحیه نتوانسته‌اند به طرز مناسبی برای رفع مشکلات قانونی که در این ارتباط وجود دارد گام بردارند؛ به طور مثال، در سال ۱۹۹۴ آذربایجان برای اولین بار با یک کنسرسیوم خارجی برای بهره‌برداری از منابع نفتی دریای خزر قرارداد بست و ایران به شدت به این امر اعتراض کرد. در سال ۲۰۰۰ ایران ادعا کرد که چند کشتی متعلق به آذربایجان در آبهای متعلق به ایران در دریای خزر شناسایی شده و ناوهای جنگی ایران با آنها درگیری پیدا کردند. از نظر مقامات ایرانی، هر کشور باید از ۲۰ درصد بستر آبهای دریای خزر استفاده کند، اما روسیه به همراه قزاقستان و آذربایجان معتقدند که براساس خط ساحل هر کشور باید آبهای بستر دریای خزر تقسیم شود. اگر طرح روسیه پذیرفته شود، ایران می‌تواند حداکثر از ۱۳ درصد آبهای کف دریاچه خزر استفاده کند و کشتیهای روسی قادر خواهند بود که از لحاظ راهبردی و نظامی به موقعیت مناسب‌تری در مقایسه با دیگر کشورها دست یابند. از آنجا که کشورهای هم‌جوار خزر قادر نبوده‌اند راه حل مناسبی برای مسئله تقسیم آب دریا پیدا کنند، به نظر می‌آید این معضل در آینده نزدیک حل نخواهد شد.

نتیجه گیری

در این مقاله نشان داده ایم که روابط تهران با مسکو طی سالهای اخیر توسعه یافته است و دولت ایران جهت تنش زدایی در روابط دو کشور در زمینه های مختلف همکاری نموده است. به رغم مسایلی که دو کشور هنوز نتوانسته اند در مورد آنها به اتفاق نظر برسند، ایران و روسیه موفق شده اند در مقایسه با گذشته روابط گسترده تری برقرار کنند و در سالهای آتی نیز احتمالاً این روند ادامه پیدا خواهد کرد؛ زیرا مواضع و نقطه نظرات دولتمردان دو کشور تا حد قابل توجهی هم خوانی پیدا می کند و مشکلاتی که تاکنون بین دو کشور وجود داشته است، آنقدر پیچیده و اساسی نیستند که نتوان برای آنها راه حلی پیدا کرد. همکاری ایران با روسیه می تواند از جهات مختلف برای ایران منفعت آور باشد. ایران در این راستا می تواند از همکاری دولت روسیه برای خنثی نمودن سیاست توسعه طلبانه واشنگتن در منطقه، دستیابی به موقعیت اقتصادی مناسب تر، توسعه روابط با کشورهای آسیای مرکزی، بهره برداری از منابع نفت و گاز دریای خزر و افزایش توان نظامی و در نتیجه رسیدن به موقعیت راهبردی مناسب تر و حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی کشور بهره بگیرد. ایران آماده بوده است تا در برخی موارد، برای اینکه روابط دو کشور در درازمدت ادامه یابد و انسجام بیشتری پیدا کند، راه درازی را برای راضی نگه داشتن مقامات روسی بپیماید و حتی از مداخله نظامی روسیه در چین ابراز نگرانی ننموده است. در عین حال، روسیه هم مایل است تا آنجا که برایش مقدور است جهت تأمین منافع ایران اقدام کند و تاکنون به فشارهای آمریکا برای قطع کمکهای نظامی و عدم همکاری با ایران جهت ساخت راکتور اتمی بوشهر تن در نداده است. سیاست خارجی مسکو از دوران رهبری گورباچف به بعد رنگ و بوی دیگری یافته است و از آغاز دوران زمامداری آقای خاتمی تا به امروز نیز دولت ایران نگرش تازه ای به سیاست خارجی کشور داشته است. البته این مسئله باید از لحاظ نظری مورد بررسی قرار بگیرد که چگونه مواضع دو دولت تغییر و تحول یافته است. در این رابطه به ذکر این نکته بسنده می کنیم که اساساً ایدئولوژی و مواضع قبلی دو دولت جوابگوی نیازهای جامعه نبود و باید تغییراتی در آن انجام می گرفت؛ همان طور که روسیه صلاح دیده است تا با کشورهای دیگر روابط دوستانه تری برقرار کند، ایران هم به

همین منوال برای ایجاد روابط دوستانه تر با دنیای خارج اهمیت زیادی قایل است و بدین وسیله می‌کوشد تا به موقعیت سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی مناسب تری در سطح جهان نایل آید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱. فهرست تسلیحات نظامی خریداری شده توسط ایران

(۱۹۹۶ تا ۱۹۸۹)

نیروی زمینی

۲۰ تا ۴۰ دستگاه تانک تی-۷۲، خط مونتاژ تانک تی-۷۲، ۴۰ فروند بالگرد و مقداری اسلحه از جمله تفنگهای «اس پی».	روسیه
۴۰ دستگاه تانک تایپ-۶۹ و قطعات توپخانه.	چین
۳۰ دستگاه تانک تی-۷۲، ۱۵۰ دستگاه تانک تی-۵۵، کارخانه ساخت تسلیحات ضد تانک.	جمهوری چک
۱۰۰ دستگاه تانک تی-۷۲، ۱۵۰ دستگاه تانک تی-۵۵.	لهستان
۱۵۰ دستگاه تانک تی-۵۵ و تسلیحاتی چون ماشینهای حمل تانک.	رومانی
مقداری تانک و تجهیزات مربوط به ارتقای خطوط ارتباطی.	هندوستان
قطعات یدکی و چندین ماشین ارتقا دهنده.	اوکراین، مجارستان و یوگسلاوی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نیروی هوایی

۲۴ فروند میگ-۴۸، ۲۷ فروند میگ-۲۴، ۲۹ فروند میگ-۳۱، چند فروند جت جنگنده سوخو-۲۴ و سوخو-۲۷، خط مونتاژ میگ-۲۹، چند فروند هواپیمای بمب افکن و موشکهای سام.	روسیه
هواپیماهای سوخو-۲۵.	گرجستان
سیستم هشدار دهنده دفاعی.	جمهوری چک
۷۲ فروند هواپیمای اف-۷ و موشکهای سام.	چین
تجهیزات.	روسیه سفید
قطعات یدکی.	اوکراین

نیروی دریایی

ناوهای گشتی موشک انداز و موشکهای ضد کشتی و مین.
۳ فروند زیردریایی نوع «کیلو»، مین و اژدرافکن.
زیردریاییهای کوچک.

چین
روسیه
ناشناخته

منبع:

Michael Eisenstadt, *Iranian Military Power*, Washington, DC: The Washington Institute for Near East Policy, 1996, p. 37.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پاورقیها:

۱. به طور کلی می‌توان سیاست خارجی کشورها را از سه دیدگاه مختلف بررسی کرد. برای مطالعه درباره این سه دیدگاه، رک به: Martin Hollis and Steve Smith, *Explaining and Understanding International Relations*. Oxford: Clarendon Press, 1991, Specially p.p 29-40.
2. Mahmood Sariolghalam, "The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran," *Discourse*, Vol. 3, No. 3, Winter 2002, pp. 67-83.
3. Kenneth Katzman, "Iran, Russia and the New Muslim State," cited in: <http://ourworld.Compuserve.com>, 11/25/2003, p. 2.
4. Ronald Ferrier, "The Development of the Iranian Oil Industry," in Hossein Amirsadeghi (ed.), *Twentieth-Century Iran*, London: Heinemann, 1997, p. 114.
5. Kenneth Katzman, op.cit., p.3.
6. "The New Russian Foreign Policy," cited in <http://www.gromyko.ru>, 12/28/2002, pp. 1-3.
7. "Russia's Iwonov in Tehran Admist Nuclear Deal Uproar," cited in: <http://www.fas.org>, 12/28/2002.
8. "Peresident Khatami Visits Russia," Cited in: <http://www.iccim.org>, 11/26/2006, pp. 3.
9. "Khatami's Visit Heralds New Iran-Russia Ties," cited in: <http://english.peopledaily.com.cn>, 11/25/2002, p. 2.
10. Alex Vatanka, "Russia's Relations with Iran Approach a Reckoning Point," cited in: <http://www.Purasianet.org>, 11/30/2002, pp. 1-3.
11. "Khatami's Visit Heralds New Iran-Russia Ties", p. 2.
12. "Russia and Iran: Comrades in Arms," cited in: <http://www.freemasonwatech.freemasonwatech.com>, 11/30/2002, p. 3.
13. "Putin Stresses Iran's Important Role in the Region," p. 3.
14. "Russia Outlines Plans for Five More Iranian Reactors, Stoking Weapons Programme Fears," cited in: <http://www.bellonan.no>, 11/25/2002, pp. 1-3.
15. <http://www.ceip.org/files/programs/russia/tenyears/transcript>, 12htm, 11/30/2002, p.1-3.
16. Michael Eisenstadt, *Iranian Military Power*, Washington, D.C.: The Washington Institute for Near East Policy, 1996, p. 66.
17. "Russian Tighten Ties to Iran," Cited in: <http://www.csmonitor.com>, 11/24/2004, p. 1-3.
18. "Russia and Iran: Comrades in Arms," p. 3.
19. "Analysis: Iran and Russia Forge Closer link," p. 1.
20. Central Asia/Russia, "Iran May Challenge Russia's Caspian Hegemony," cited in: <http://www.atimes.com>, 11/7/2002, p. 1.
21. Kenneth Katzman, "Iran, Russia and the New Muslim States," pp. 1-2.
22. Stuart Parrott, "Central Asian / Caucasus: Iran Builds Regional Bridges," cited in: <http://www.rfer.org>, 12/1/2002, p. 1.
23. Alec Rasizade, "The Caspian Energy legend and the Great Game of Concomitant Pipelines," *The Iranian Journal of International Affairs*, Vol. XI, No. 19-22, Spring-Summer 2002, p. 23.